

تعزیه؛ هنری ایرانی و جهانی

«گزارشی از نظرات کارشناسان درباره تعزیه»

به گزارش خبرگزاری مهر، گرچه تعزیه خوانی از اساطیر حماسی ایران باستان نشأت گرفته اما واقعه عاشورا و حدیث مصایب سیدالشهدا (ع) به عنوان بزرگترین حماسه تاریخ، شیوه اجرای این هنر را دچار تغییراتی اساسی کرده و تعزیه با عاشورا به اوج خود رسیده است.

نمایش مصایب میترا و سوگ سیاوش در ایران اصلی ترین نمونه از آیین های زمینه ساز نمایش مصایب امام حسین (ع) و وقایع کربلا بوده و این دو آیین در شکل گیری تعزیه خوانی تاثیر بسزایی داشته اند.

به گزارش خبرگزاری مهر از تبریز، بهمن تقی پور (محقق و پژوهشگر آیین شبیه خوانی) در این رابطه گفت: تعزیه پیش از اسلام نیز در ایران رواج داشته که در آیینی همچون سوگ سیاوش به نام "سیاوش کشون" یا "سووشون" اجرا می شده، اما از دوره صفویه صورت رسمی تر گرفته است و در روایت واقعه کربلا نیز اسطوره های ایرانی جای خود را به اسوه های کربلا داده اند.

تعزیه، در لغت به معنی سوگواری، برپای داشتن یادبود عزیزان از دست رفته، تسلیت، امر کردن به صبر و پرسیدن از خویشان مرده است؛ که در اصطلاح، به گونه ای از نمایش مذهبی و آیینی منظوم گفته می شود، اما بر خلاف معنی لغوی تعزیه، غم انگیز بودن شرط حتمی آن نیست و ممکن است گاه شادی بخش نیز باشد.

بهمن تقی پور در این رابطه اظهار داشت: تعزیه الزاما بیان روایات غمگین و تلخ و یا کشتار نیست، بلکه ما در تاریخ هنرهای نمایشی ایران تعزیه مضحک نیز داریم و در میان متون این آیین و هنر ایرانی روایات تیمور لنگ با نام مجلس تیمور، مجلس والی شام و ... نیز وجود دارد.

این فعال هنر تعزیه گردانی در رابطه با منابع مورد استفاده در تعزیه گفت: واعظی به نام ملاهادی سبزواری تعزیه های مختلفی به زبان فارسی نوشته که در تمام کشور رواج یافته و بعدها نیز به زبان ترکی در منطقه آذربایجان تغییر یافته است و در حال حاضر نیز از سه منبع عمده "کلیات شعاعی" به چاپ تاجر دربندی، "کلیات قمری" و "کلیات ملا ابراهیم مراغه ای" استفاده می شود.

تقی پور اضافه کرد: در مراسم شبیه خوانی، همیشه تعزیه خوانان در هر نقشی که ظاهر شوند متنی از دیالوگها و اشعار گفته شده را در دست دارند تا میان خود و شخصیتی که نقش او را ایفا می کنند فاصله ایجاد کنند و به نوعی به مخاطب اعلام می کنند که من حضرت علی اکبر(ع) یا شمر نیستم بلکه نقش او را اجرا می کنم.

به گفته کارشناسان، در طول تاریخ در شهر تبریز تعزیه خوانی به دلایل نامعلومی مورد استقبال مردم قرار نگرفته و مردم تبریز رغبتی به اجرای این آیین نداشته اند، معدود اجراهایی هم که شده توسط گروههایی بوده که از شهر و روستاهای اطراف به تبریز آمده اند.

مهدی لژی، کارگردان و فعال عرصه تئاتر و نمایش آذربایجان شرقی در این باره گفت: از گذشته های دور شیوه های مختلف عزاداری در تبریز جایگاه ویژه ای داشته اما تعزیه به دلایلی متعدد پذیرش نشده است.

وی افزود: تبریز در دوره هایی از تاریخ پایتخت شیعی ایران بوده و مردم به دلیل اعتقادات مذهبی شدیدی که داشته اند شبیه سازی به ائمه و معصومان را به لحاظ شرعی درست نمی دانسته اند، بدین جهت پذیرش از طرف مردم کم بوده، اما در شهرهای کوچک اطراف استقبال خوبی از این هنر شده، مانند شاهنامه که در تبریز رونق چندانی نداشته است.

بهمن تقی پور بازیگر تئاتر و فعال هنر تعزیه در تبریز با بیان اینکه "شبه خوانی" مردمی ترین نوع نمایش است که اگر صورت علمی و اجرای حرفه ای یابد خراب خواهد شد، تاکید کرد: تعزیه گونه ای از نمایش میدانی است، که بالغ بر ۱۰۰ یا ۱۵۰ نفر در آن شرکت می کنند و این تعداد تعزیه خوان نیز همگی در عرض یک روز برای اجرای این آیین آماده می شوند، با این حال گاه چنان صورتهایی زیبا از نمایش را به اجرا در می آورند که حتی در میان بازیگران حرفه ای تئاتر نیز بعد از چند ماه تمرین، اجرا نمی شود.

وی اضافه کرد: شبه خوانی حرکتی کاملا مردمی و خودجوش است و بازیگر تعزیه یا تعزیه خوان، همواره نگاهی اخروی به این آیین دارد، حتی شمر خوان این آیین نیز به نیت خدمت به اباعبدالله و با نذری به درگاه الهی این نقش را ایفا می کند.

به گفته این هنرمند نمایش، از جمله بزرگان و پیشکسوتان این عرصه در تبریز می توان، حاج علی براتی (بنیانگذار تعزیه قراملک)، زنده باد (متولی تعزیه شب غازان و آخونی) و میرزا محمود نیکجو (نویسنده، محقق و تعزیه گردان تعزیه تیکمه داش - که از قدیمی ترین مجالس تعزیه منطقه به شمار می رود و نسخه های نقل شده در این آیین نیز در گذشته از باکو آورده شده است)، را نام برد.

بهمن تقی پور با اشاره به جایگاه موسیقی در شبه خوانی، گفت: هنر تعزیه دارای موسیقی زیبایی است که وابستگی و نیاز غیرقابل کتمان نیز به موسیقی دارد، امام خوانی و شمرخوانی و ... دستگاههای متفاوتی داشته اند که متأسفانه در حال حاضر کمتر شده، می توان گفت رجز خوانی موسیقایی و ... ۵۰ درصد از تاثیرگذاری و زیبایی اجرای این آیین را به همراه داشته است.

مهدی لژی، فعال عرصه تئاتر نیز در این باره گفت: حضور موسیقی در تعزیه و شبه خوانی در منطقه ما کم شده، در مناطق دیگر ایران از جمله طالقان جایگاه ویژه ای در کنار اجرای تعزیه دارد، خود موسیقی سنتی ایران نیز دوام خود را از تعزیه یافته، زیرا همه دستگاههای موسیقی از جمله شور و همایون و ... در تعزیه گردانی اجرا می شود و رجزخوانیها و نقل صحنه های مختلف دستگاههای متفاوتی را می طلبد و از این طریق ثبت و به نسلهای بعدی منتقل شده است.

وی اضافه کرد: اکنون نیز بسته به ذوق و خواست و آشنایی روضه خوان و تعزیه گردان، موسیقی استفاده می شود که در این حالت نیز تاثیر مثبت و موثری بر جا گذاشته و به اصطلاح مخاطبان گفته می شود که گوینده و راوی نفس گرمی دارد.

بهمن تقی پور، محقق و پژوهشگر تعزیه گردانی با تاکید بر اهمیت و جایگاه هنر تعزیه در نمایش ایرانی گفت: در تمام دنیا نمایش ما را با شبیه خوانی می شناسند و این هنر جایگاهی کاملا جهانی و شناخته شده دارد اما متاسفانه در ایران متدولوژی تعزیه تنها به عنوان یک واحد درسی در رشته تئاتر و هنرهای دراماتیک تدریس می شود، که جا دارد به عنوان یک رشته تحصیلی مستقل ایجاد شود تا در حفظ این آئین و هنر باستانی کشور موثر افتد.

در بهمن ماه سال ۸۷ تعزیه ثبت ملی شد، با ثبت این آئین در فهرست میراث معنوی ایران انتظار می رفت، این هنر که به مرور از حافظه محافل رسمی کشور پاک می شد، دوباره بصورت جدیتر در جامعه مطرح و به عنوان یکی از اولویتهای مذهبی و هنر ایرانی مورد توجه قرار گیرد.

بنا به اعلام سازمان میراث فرهنگی کشور براساس پژوهشها و تحقیقات انجام شده در حدود ۶۰ نوع مراسم مختلف تعزیه در نواحی مختلف ایران برگزار می شود؛ اما هنوز بعد از گذشت سه سال از آن روز هیچ اقدامی جهت گسترش و حتی حفظ و پیشگیری از فراموشی این آئین انجام نشده است.

تقی پور در این مورد گفت: حدود سالهای ۷۴ تا ۸۰ در مقبره الشعراى تبریز اجرای مراسم تعزیه داشتیم که سعی می کردیم با حضور گروههای مختلف تعزیه گردانی از مناطق مختلف اطراف تبریز تفاوتها و شکلهای متنوع اجرای این آیین را نمایش دهیم که متاسفانه بعدها به علت عدم حمایتها جمع آوری شد، اما بعد از ثبت ملی این آیین نیز هیچ حمایتی از هنرهای نمایشی عاشورایی و مذهبی و تعزیه گردانی بوجود نیامد و در حقیقت ثبت این آئینها هیچ تاثیری در گسترش و توسعه آن نداشته و تلاشی نیز برای ماندگاری آن انجام نمی شود.

مهدی لژی، کارگردان تئاتر نیز گفت: در سطح بین المللی ثبت آئین تعزیه و شبیه خوانی مورد افتخار ایرانیان است اما در داخل کشور همین آئینها، نمادها و رسوم پرورش داده نمی شوند، به نوعی کلیاتی هستند مورد قبول و ارزشمند که در سطح جزئیات از کنار آن می گذریم.

آنچه مسلم است تعزیه گردانی و شبیه خوانی به عنوان هنر اصیل ایرانی با مضامین مذهبی و آئینی و یکی از مهم ترین ابزارهای پیام رسانی واقعه کربلا از دیرباز در این سرزمین جایگاه ویژه ای داشته که تاکنون نیز نسل به نسل و سینه به سینه روایت شده و حال پس از گذشت قرنها از پیدایش این هنر در ایران باستان و حتی واقعه کربلا در عراق سال ۶۱ هجری، همچنان به عنوان یکی از عوامل مهم پیوند معنوی نسل جدید ایرانی با حماسه عاشورا است.

هر ساله نیز با فرا رسیدن ماه محرم و صفر جای جای ایران میزبان گروه های هنری تعزیه گردان و شبیه خوان متعددی است که به رسم پدران به بازسازی صحنه های عاطفی و به یاد ماندی از مظلومیت کاروان حسینی(ع) پرداخته و با بیان اهداف قیام عاشورا نقش موثری در آشنایی اقشار مختلف و نسلهای جوانتر با واقعه کربلا و قیام امام حسین(ع) ایفا می کند.

از سویی دیگر تعزیه خوانی و شبیه گردانی در مناطق و استانهای مختلف را می توان به نوعی مرتبط با فرهنگ و هنر فولکلور آن منطقه دانست، تعزیه ها در استانهای مختلف با فرهنگ خاص همان استان اجرا و خرده فرهنگهای مختلف ایرانی در این هنر نمایش داده شده و همچنین به نوعی از طریق تعزیه نیز حفظ می شوند.

مهدی لژی، کارگردان تئاتر در این خصوص گفت: مردم در مناطق مختلف با نگرش متفاوتی به این آئین پرداخته اند، در واقع اصل مقتل واحد است، اما فرهنگ هر منطقه در نوع بیان روایت و شیوه اجرای این آئین تاثیر گذاشته، مثل واقعه یک آتش سوزی که به دهها روایت مختلف بیان می شود، در آذربایجان اشقیا در هیبت روسها ظاهر می شوند و در جنوب کشور در هیبت انگلیسیها، این فرق در نسخه خوانی است و به پیشینه فرهنگی و تاریخی مردم مناطق مختلف مربوط می شود.

لژی همچنین در رابطه با دلیل ماندگاری این هنر گفت: هر آئینی که در قالب هنر درآید ماندگار می شود، مصیبت اباعبدالله مصیبت بزرگی است که در طول یک نیمروز اتفاق افتاده و وقتی این

واقعہ دردناک تاریخی کہ باہور و اعتقادات مردم گرہ خوردہ است در قالب ہنر رسوخ یافتہ، در ہافت جامعہ نفوذ کردہ و ماندگار شدہ حتی اگر بیان و روایات نیز متفاوت باشد۔

شنبہ ۱۹ آذر ۱۳۹۰ - ۸:۵۲